

آسیب‌شناسی اثرات توسعه مشاغل خانگی در مناطق روستایی (مطالعه موردی: روستاهای بخش دیشموک شهرستان کهگیلویه)

محمودرضا میرلطفی^{*۱} - سیدامیرمحمد علوی‌زاده^۲ - یوسف بدخش^۳

۱- استادیار جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی، دانشگاه زابل، ایران

۲- استادیار جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی، دانشگاه پیام نور، کاشمر، ایران

۳- کارشناس ارشد جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی، دانشگاه زابل، زابل، ایران

تاریخ دریافت: ۱۳۹۱/۰۹/۱۸ صص ۱۱-۱ تاریخ تصویب: ۱۳۹۱/۱۲/۲۰

چکیده

هدف: امروزه کسب‌وکارهای خانگی راهکاری مهم برای ایجاد اشتغال و درآمد محسوب می‌گردند. قابلیت انجام این نوع کسب‌وکار در منزل سبب ایجاد مزایای بسیاری برای شاغلان آن‌ها می‌شود. هدف اصلی از نگارش این مقاله آسیب‌شناسی اثرات توسعه مشاغل خانگی در مناطق روستایی بخش دیشموک و همچنین، شناسایی اصلی‌ترین انگیزه‌ها در گرایش افراد به سمت کسب‌وکارهای خانگی است.

روش: روش تحقیق در این پژوهش توصیفی-تحلیلی، مبتنی بر مطالعات کتابخانه‌ای و بررسی‌های میدانی است که اطلاعات با استفاده از پرسشنامه گردآوری شدند و به وسیله نرم‌افزار SPSS تجزیه و تحلیل گردیدند. جامعه آماری روستاهای ۲۵ خانوار به بالا بودند که ۳۵ روستا به عنوان جامعه نمونه انتخاب شد و در این روستاها ۱۰۰ پرسشنامه به صورت تصادفی بین کسانی که دارای مشاغل خانگی بودند، پخش شد.

یافته‌ها: براساس نتایج حاصل، در سطح اطمینان ۹۵٪ فرض برابری میزان اهمیت همه مشکلات و چالش‌های دوازده‌گانه از دیدگاه پاسخ‌گویان رد می‌شود. مشکلات و چالش‌های موردآزمون (از نظر پاسخ‌گویان) با درجات متفاوتی در جهت تضعیف توسعه مشاغل خانگی مؤثر هستند. مشکل خرید ارزان محصولات با میانگین ۴/۸۸ دارای بیشترین تأثیر است و حمایت‌نکردن مسؤولان و نبود حمایت مالی به ترتیب با میانگین‌های ۴/۸۱ و ۴/۵۹ در رتبه‌های بعدی بودند و کمترین تأثیر از دیدگاه پاسخ‌گویان مربوط به موانع قانونی با میانگین ۱/۵۶ بوده است.

اصالت و ارزش: کسب‌وکارهای خانگی راهکاری مهم برای ایجاد اشتغال و درآمد محسوب می‌گردند. قابلیت انجام این نوع کسب‌وکار در منزل سبب ایجاد مزایای بسیاری برای شاغلان آن‌ها می‌شود که از جمله می‌توان به ایجاد توازن بین مسؤولیت خانوادگی زنان و اشتغال آنان، حذف هزینه‌های مربوط به خرید، رهن و اجاره کارگاه و رفت‌وآمد، استفاده از نیروی کار سایر اعضای خانواده و ایجاد زمینه‌های کار خانوادگی، امکان انتقال تجارب از طریق آموزش غیررسمی به شیوه استاد-شاگردی بین اعضای خانواده و ... اشاره نمود.

کلیدواژه‌ها: آسیب‌شناسی، مشاغل خانگی، توسعه روستایی، دیشموک، کهگیلویه.

۱. مقدمه

۱.۱. طرح مسئله

برخورداری از شغل مناسب یکی از اجزای اصلی تشکیل‌دهنده حقوق شهروندان به‌شمار می‌رود که شاید اهمیت آن از حقوق سیاسی آن‌ها کمتر نباشد؛ از این رو، اشتغال‌زایی متناسب با نیازهای جامعه و ریشه‌کن کردن بیکاری یا همان اشتغال کامل، از جمله وظایف بنیادین دولت‌ها است. افزون‌براین، اشتغال در ارتباط مستقیم با توسعه سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جامعه است و به سرعت روند توسعه جامعه و موفق بودن یا موفق نبودن برنامه‌های توسعه بستگی دارد. همچنین، اشتغال تابعی از ارزش‌های حاکم بر یک جامعه می‌باشد و بدیهی است که مستقیماً در ارتباط با نیازهای زیستی، آموزشی، بهداشتی، رفاهی، روحی و معنوی جامعه باشد (فهیمی، ۱۳۸۲، صص. ۱۴۵-۱۳۲). موضوع اشتغال و دستیابی افراد به شغل موردنظر از اساسی‌ترین نیازهای یک جامعه محسوب می‌شود. یکی از اهداف کلان توسعه در اغلب کشورها و از جمله کشور ما، کاهش بیکاری و توسعه فعالیت‌های شغلی است. بیکاری به‌عنوان یک پدیده مخرب اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی مطرح است و رفع آن همواره از جمله دغدغه‌های اساسی برنامه‌ریزان بوده است (کریاسی، اثنی‌عشری، و عاقل، ۱۳۸۷، ص. ۳۱).

در این بین، کسب و کارهای خانگی راهکار مهمی برای ایجاد اشتغال و درآمد محسوب می‌گردند. قابلیت انجام این نوع کسب و کار در منزل سبب ایجاد مزایای بسیاری برای شاغلان آن‌ها می‌شود که از جمله می‌توان به ایجاد توازن بین مسؤولیت خانوادگی زنان و اشتغال آنان، حذف هزینه‌های مربوط به خرید، رهن و اجاره کارگاه و رفت‌وآمد، استفاده از نیروی کار سایر اعضای خانواده و ایجاد زمینه‌های کار خانوادگی، امکان انتقال تجارب از طریق آموزش غیررسمی به شیوه استاد-شاگردی بین اعضای خانواده و ... اشاره نمود.

این مشاغل که روزانه در سراسر جهان تعداد آن‌ها رو به فزونی و تنوع است، این امکان را فراهم می‌آورد تا افراد بتوانند در محیط خانه با استفاده از رایانه و وسایل جانبی مورد نیاز، به انجام کسب و کارهای گوناگون در این حوزه بپردازند. در ایران

نیز طی سالیان اخیر سامان‌دهی و حمایت از مشاغل خانگی یکی از برنامه‌های وزارت کار و امور اجتماعی بوده است (روزنامه بازار اجتماعی، ۱۳۸۹، ص. ۲).

با این وجود و در کنار اثرهای مثبت مشاغل خانگی انتظار می‌رود که این‌گونه مشاغل پیامدهای ناخواسته و گاهی نامطلوب نیز به دنبال داشته باشند که آسیب‌شناسی این پیامدها برای تضمین اثربخشی اقدامات موردنظر در این حوزه ضروری است؛ بر این اساس، در پژوهش حاضر به دنبال واکاوی اثرهای توسعه مشاغل خانگی با هدف آسیب‌شناسی دقیق این موضوع هستیم و برای دستیابی به این هدف سؤالات زیر مورد توجه نگارندگان قرار گرفته‌اند.

۱. با توجه به شرایط جامعه روستایی مورد مطالعه، چه آسیب‌ها و مشکلاتی متوجه مشاغل خانگی در این نواحی بوده است؟

۲. هریک از این آسیب‌ها و مشکلات از دید روستاییان چه اهمیت و اولیویتی دارد؟

۳. منابع حمایت و تشویق روستاییان در زمینه کسب و کارهای خانگی کدام‌اند؟

۲.۱. پیشینه تحقیق

مروری بر مطالعات انجام‌شده در داخل و خارج از کشور نشان می‌دهد مطالعاتی که در داخل در زمینه مشاغل خانگی و تولید خانگی انجام شده‌اند، بسیار محدود هستند؛ از جمله این مطالعات می‌توان به مطالعه امیدوی (۱۳۸۰) اشاره کرد. وی به بررسی جایگاه زنان در اقتصاد غیررسمی از طریق برآورد ارزش خدمات خانگی زنان متأهل و تأثیر متغیرهای اقتصادی، اجتماعی و جمعیتی بر ارزش افزوده زنان خانه‌دار در شهر اردل چهارمحال و بختیاری پرداخت. وی کل ارزش افزوده ایجادشده توسط زنان از مشاغل خانگی را ۲۶۶۶۵۷۸۶۷ تومان برآورد نمود.

خندان (۱۳۸۹) در پژوهشی با عنوان «کارآفرینی و یادگیری الکترونیکی: مدلی برای توسعه مشاغل خانگی» به این نتیجه رسید که در صورت تدوین یک مدل مناسب کسب و کار، می‌توان به راحتی از ظرفیت موجود در کشور برای راه‌اندازی یک کسب و کار موفق با تکیه بر مشاغل خانگی استفاده کرد.

شخصی برای اداره امور استفاده می‌کنند. لندفیلد و مک‌کولاً - (۲۰۰۹) در پژوهشی به بررسی و ارائه نظام حساب‌های اقماری خانوار به‌عنوان یک بنگاه تولیدی پرداختند که نتایج این بررسی نشان داد سهم تولیدات مشاغل خانگی از ۳۱٪ تولید ناخالص داخلی در سال ۱۹۶۵ به ۱۹٪ تولید ناخالص داخلی در سال ۲۰۰۴ رسید.

به‌طور کلی، براساس یافته‌های تحقیق‌های مرور شده می‌توان نقش و جایگاه ویژه‌ای برای توسعه کسب‌وکارهای خانگی در اشتغال‌زایی در مناطق روستایی قائل بود. اینکه در طول این بسط و توسعه به چه مسائل و موضوعاتی باید توجه داشت تا میزان پیامدهای ناخواسته و نامطلوب این فرایند به حداقل برسد، مطالعه و بررسی بیشتری را می‌طلبد که در تحقیق حاضر با اتخاذ چنین رویکردی در پی واکاوی این موضوع با در نظر داشتن وضعیت خاص اجتماعی و فرهنگی مناطق روستایی مورد مطالعه هستیم.

۲. روش‌شناسی تحقیق

در این پژوهش روش تحقیق، توصیفی-تحلیلی و مبتنی بر مطالعات کتابخانه‌ای و بررسی‌های میدانی است. اطلاعات مورد نیاز با استفاده از پرسشنامه گردآوری شدند و به‌وسیله نرم‌افزار SPSS تجزیه و تحلیل گردیدند. جامعه آماری، روستاهای ۲۵ خانوار به بالا هستند که ۳۵ روستای به‌عنوان جامعه نمونه انتخاب شد و ۱۰۰ پرسشنامه به‌صورت تصادفی بین کسانی که دارای مشاغل خانگی بودند، پخش شد.

۲.۱. قلمرو جغرافیایی تحقیق

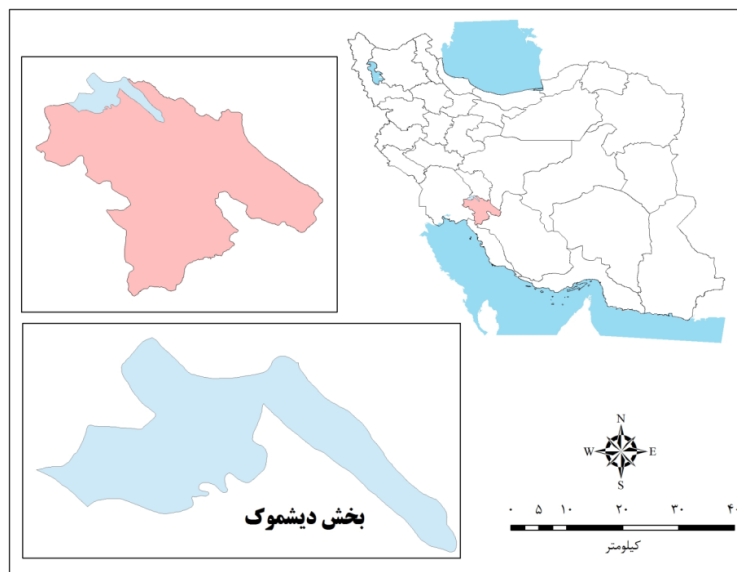
بخش دیشموک از توابع شهرستان کهگیلویه (۵۵ کیلومتری شهر دهدشت) است که از نظر موقعیت جغرافیایی در فاصله ۳۱ درجه و ۱۷ ساعت و ۲۱ دقیقه و ۶۲ ثانیه عرض شمالی و ۵۰ درجه و ۲۴ ساعت و ۲ دقیقه ۵۷ ثانیه طول شرقی قرار دارد. ارتفاع متوسط منطقه ۱۸۵۰ متر از سطح دریا است. طبق آمار سرشماری عمومی نفوس و مسکن، این بخش دارای ۱۰۳ روستا، ۲۰۷۱۶ نفر جمعیت و ۳۶۸۹ خانوار است. فعالیت اقتصادی خانوارها غالباً دامداری و کشاورزی است. گندم و جو دیم نوع کشت غالب آن‌ها را تشکیل می‌دهند که معمولاً حالت خودمصرفی دارند (ورمرزیاری و حسینی، ۱۳۸۸، ص. ۱۰۹).

خنیفر و همکاران (۱۳۸۹) در پژوهشی با عنوان «نقش انگیزه و عوامل جمعیت‌شناختی در کارآفرینی خانگی» به این نتیجه دست یافتند که انگیزه‌های خانوادگی در زنان و شاغلان در مقایسه با مردان و مجردان قوی‌تر است و برعکس، انگیزه‌های مالی در مردان قوی‌تر از زنان می‌باشد. جزینی (۱۳۸۰) در تحقیقی به بررسی برآورد میزان ارزش افزوده مشاغل خانگی زنان شهر تهران پرداخته است که نتایج نشان داد مشاغل خانگی ۱۱/۹۵٪ از تولید ناخالص داخلی استان تهران را به‌خود اختصاص دادند.

میرجلیلی (۱۳۸۶) در پژوهشی مشاغل خانگی زنان خانه‌دار و روش‌های ارزش‌گذاری آن را بررسی کرده است. نتایج نشان داد مقدار ارزش کار خانگی زنان در سال ۱۳۸۵، براساس رویکرد نهاده و با استفاده از میزان حداقل دستمزد در این سال حدود ۱۶/۷٪ از تولید ناخالص داخلی کشور را تشکیل می‌دهد. از مطالعاتی که در خارج از کشور در زمینه ارزش‌گذاری مشاغل خانگی انجام شده است، می‌توان به مطالعات گراهام و گرین (۱۹۸۴) اشاره کرد. آن‌ها به بررسی ارزش افزوده فعالیت‌های خانگی زنان و مردان در خانه با استفاده از تخمین تابع تولید خانوار با دو نهاد صرف‌شده و کالاهای بازاری پرداختند. نتایج مربوط به تخمین تابع تولید نشان داد براساس گزینه‌های مختلف در نظر گرفته‌شده، ارزش تولیدات خانگی از ۱۷۸ تا ۱۷۶۶۹ (به‌طور متوسط، ۹۳۰۲/۵۵) است و ارزش افزوده نیز از ۷/۸ تا ۹۶۵۴ دلار (به‌طور متوسط، ۱۲۷۸/۳ دلار) می‌باشد.

شارپ، سیسکل، و هیث^۱ (۱۹۹۸) در پژوهشی به بررسی ارزش‌گذاری مشارکت زنان آمریکایی با استفاده از توابع تولید خانوار، روش ارزش افزوده و داده‌های سال ۱۹۹۵ پرداختند. نتایج نشان داد زنانی که کل زمانشان را به کار خانگی اختصاص دادند، نسبت به زنانی که ساعات کاری خود را بین کل بازار و خانه تقسیم کردند، دارای بیشترین ارزش افزوده بوده‌اند.

ماسون، هارتکوپ، هلدن‌راید، و رافرتی^۲ (۲۰۰۹) در پژوهشی کسب‌وکار مبتنی بر خانه را بررسی کردند که نتایج این بررسی نشان داد، حدود ۷۵٪ از مالکان این کسب‌وکارها بیش از ۴۰ ساعت در هفته را صرف فعالیت در کسب‌وکار خود می‌کنند. مالکان کسب‌وکارهای خانگی در بیشتر موارد از اعتبارات شخصی خود مانند حساب بانکی شخصی یا وام‌های



شکل ۱- نقشه موقعیت بخش دیشموک در استان و شهرستان کهگیلویه

مأخذ: استانداری کهگیلویه و بویراحمد، ۱۳۹۲

توسعه سرمایه انسانی، ۱۳۸۸، ص. ۲). به‌طور معمول، این‌گونه فعالیت‌ها درزمره کسب‌وکارهای خرد طبقه‌بندی می‌شوند و وجه تمایز آن‌ها با دیگر کسب‌وکارها، واقع‌بودن آن‌ها در خانه مالک و اداره‌کننده آن‌ها است (هلمز، اسمیت، و کان، ۱۹۹۷، صص. ۶۸-۷۳). این نوع کسب‌وکارها اغلب جزو بخش پنهان و غیررسمی اقتصاد هستند (پرات، ۲۰۰۰ و تیپل، ۲۰۰۵)، اما نقش قابل‌توجهی در ثروت و رشد اقتصادی یک جامعه و توسعه سرمایه اجتماعی آن دارند؛ به‌گونه‌ای که به‌نظر برخی از اندیشمندان، فرصت‌های کسب‌وکار خانگی باعث خوداشتغالی در راستای رفع کاستی‌ها و تأمین نیازهای محلی یک اقتصاد می‌شود و راه را برای توسعه پایدار اقتصادی هموار می‌کند (هرگان، ۲۰۰۱، ص. ۷).

توسعه کارآفرینی از خانه باعث توسعه اشتغال و ارتقای سطح کارآفرینی در یک جامعه می‌شود. مزایایی که با کسب‌وکارهای خرد مرتبط هستند (همچون چابکی و انعطاف‌پذیری)، در کنار مزایایی که خانه به‌عنوان محل کسب‌وکار در اختیار افراد قرار می‌دهد (مانند حذف هزینه‌های محل فعالیت) انگیزه‌های مضاعفی را در افراد برای گرایش به‌سمت چنین کسب‌وکارهایی ایجاد کرده‌اند؛ به‌طوری‌که تحقیق‌ها نشان می‌دهد این‌گونه فعالیت‌ها در سال‌های اخیر نرخ رشد بالاتری نسبت به کسب‌وکارهای کوچک داشته‌اند (والکر و وبستر، ۲۰۰۴).

۳. مبانی نظری تحقیق

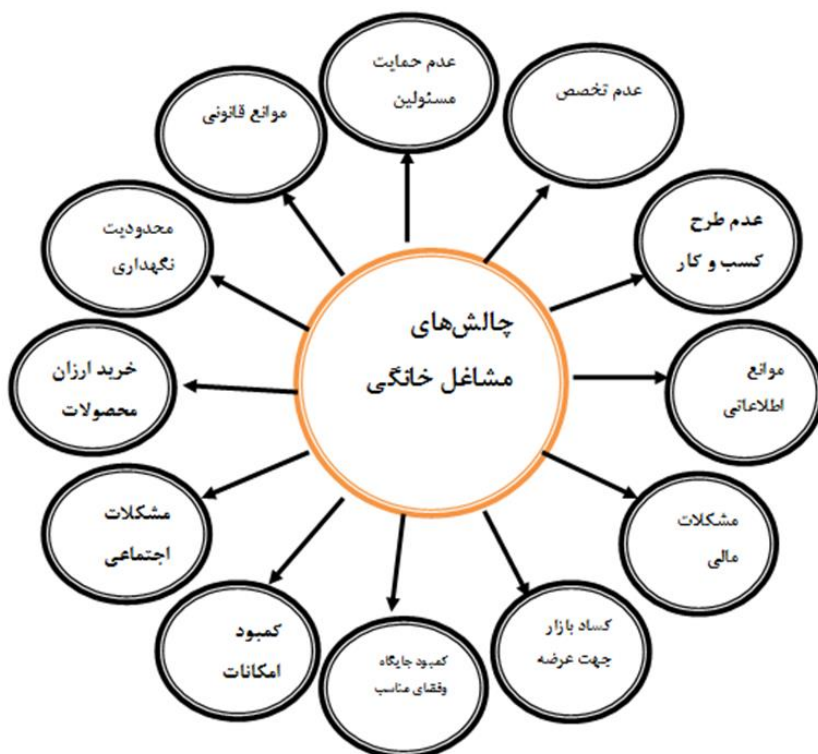
۳.۱. اشتغال

اشتغال مجموعه فعالیت‌هایی است که در دوره‌ای معین درمقابل آن مزدی پرداخت می‌شود. به‌عبارتی‌دیگر، اشتغال به-کارگیری نیروهای متخصص کارآمد در مشاغل تخصصی و تطبیق آن‌ها با موقعیت‌های تخصصی موردنیاز سازمانی است؛ به‌نحوی که اشتغال صحیح آن‌ها نیل به هدف‌های سازمانی را ممکن سازد (دهقان، ۱۳۸۰، ص. ۹). درجای دیگر، اشتغال این‌گونه تعریف شده است: جذب و استخدام نیروی کار در یک بخش که ارزش افزوده ایجاد می‌کند و درمقابل، دستمزد دریافت می‌کند (نجاحی و قاسم‌پور، ۱۳۸۹، ص. ۸۸).

۳.۲. مشاغل خانگی

مشاغل خانگی آن دسته از فعالیت‌هایی هستند که توسط عضو یا اعضای خانواده در فضایی مسکونی در قالب طرح کسب‌وکار و بدون ایجاد مزاحمت و اختلال در آرامش واحدهای مسکونی همجوار شکل می‌گیرند و منجر به تولید خدمت یا کالای قابل‌عرضه به بازار خارج از محیط مسکونی می‌شوند (ابراهیمی، ۱۳۸۹، ص. ۲). همچنین، مشاغل خانگی هر نوع کسب‌وکار خانگی است که بخش عمده مالکیت یا کنترل آن در اختیار یک یا چند خانواده باشد و خانواده به‌طور کامل یا پاره‌وقت، مستقیماً در آن درگیر باشند (معاونت برنامه‌ریزی و

۳.۳. مدل مفهومی تحقیق



شکل ۲. مدل چالش‌های توسعه مشاغل خانگی

مأخذ: یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۱

۴.۴. اهمیت مشاغل خانگی

آمار و اطلاعات موجود از کشورهای توسعه‌یافته و درحال توسعه نشان می‌دهد که کسب‌وکار خانگی سهم قابل‌ملاحظه‌ای در ایجاد اشتغال و ارزش افزوده و حتی صادرات دارد که از جمله این کشورها می‌توان به ایتالیا، آمریکا، سوئیس، چین و تایوان اشاره کرد؛ مثلاً کشور تایوان با شعار «هر خانه، کارخانه و هر کارخانه خانه است»، جهش اقتصادی خود را از کسب‌وکار خانگی آغاز کرده است و ۸۰٪ از فعالیتهای اقتصادی این کشور به صورت مستقیم و غیرمستقیم با این مشاغل در ارتباط است (رودگرنژاد و کیاکجوری، ۱۳۸۸، ص. ۴۶).

در سال ۱۹۹۸، دفتر نیروی کار آمریکا طی تحقیقی میدانی اعلام کرد حدود ۶/۱ میلیون یا ۶٪ از خانوارهای آمریکایی کسب‌وکار خانگی ارائه می‌کنند. این تحقیقات نشان می‌دهد ۴/۱ میلیون از سود این کسب‌وکارها متعلق به فردی است که خوداشتغال است (انجمن ملی برای خوداشتغالی^۱، ۲۰۰۶). این آمارها درباره استرالیا قابل توجه است؛ کسب‌وکارهای خانگی بزرگ‌ترین نوع اشتغال در استرالیا بوده‌اند؛ به طوری که ۶۷٪ از کسب‌وکارهای کوچک و ۵۸٪ از کل اشتغال در این کشور را

شامل می‌شود. همچنین، این گروه مشاغل حدود نیمی از کسب‌وکارهای کوچک در انگلستان و ۵۲٪ از فعالیت بخش خصوصی در آمریکا را به خود اختصاص داده‌اند (والکر، وانگ، و ریموند^۱، ۲۰۰۸، ص. ۲۶۲). کسب‌وکار خانگی خطر شروع یک کسب‌وکار را کاهش می‌دهد؛ زیرا، سرمایه اولیه کمتری برای راه‌اندازی نسبت به دیگر کسب‌وکارها نیاز دارد (والکر و وبستر، ۲۰۰۴، ص. ۲۶۲).

این آمارها نشان از توسعه و گسترش کسب‌وکارهای خانگی در برخی از کشورهای توسعه‌یافته دارند، اما دلیل اهمیت و توجه به چنین بخشی در موارد زیر خلاصه می‌شود:

۱. کسب‌وکارهای خانگی فرصت مناسبی برای ایجاد ایده‌های کارآفرینانه با خطر و هزینه پایین فراهم می‌کنند (فین‌مارک^۱، ۲۰۰۶، ص. ۲۳)؛

۲. اغلب کسب‌وکارهای خانگی گرایش‌های کارآفرینانه‌ای داشته‌اند؛

۳. کسب‌وکارهای خانگی گرایش بسیار زیادی به توسعه دارند؛ متوسط رشد سالانه کسب‌وکارهای خانگی ۱۶٪ و

از پاسخ‌دهندگان درمورد میزان مهارت آن‌ها در زمینه کارشان سؤال شد که ۸۳٪ گزینه خیلی زیاد، ۱۴٪ گزینه زیاد و بقیه گزینه متوسط را انتخاب کردند. همچنین، درمورد عرضه یا فروش تولیدات سؤال شد: ۶۰٪ خودشان به فروش می‌رسانند؛ ۳۰٪ توسط دلال‌ها و ۱۰٪ توسط تعاونی‌ها به فروش می‌رسانند. سؤالی دیگر درمورد اینکه همزمان در چند رشته فعالیت می‌کنند، پرسیده شد که براساس نتایج، ۸۱٪ در یک رشته فعالیت می‌کردند و ۱۹٪ در دو رشته فعالیت می‌کردند. در پاسخ به سؤالی که بیشتر ترجیح می‌دهید با چه کسانی کار کنید، ۷۷٪ با خانواده (همسر، فرزندان)، ۹٪ روستاییان، ۷٪ دوستان و بقیه ترجیح دادند با تعاونی‌ها کار کنند. درمورد سابقه کار نیز یافته‌ها نشان داد ۱۱٪ (۲-۱ سال)، ۱۵٪ (۴-۲ سال)، ۳۰٪ (۶-۴ سال)، ۳۲٪ (۸-۶ سال) و ۸٪ به بالا بوده است. توصیف پاسخ‌های مربوط به سؤالات دو گزینه‌ای در جدول شماره (۱) آورده شده است:

جدول ۱- میانگین و درصد پاسخ‌دهندگان به سؤالات دو گزینه‌ای بله-خیر

مأخذ: یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۱

ردیف	متغیرها	بله	خیر	میانگین
۱	تحت حمایت بیمه کار	۰/۳۷	۰/۶۳	۱/۶۳
۲	حرفه دیگری دارید	۰/۲۳	۰/۷۷	۱/۷۷
۳	مجوز یا پروانه کسب	۰/۲۴	۰/۷۶	۱/۷۶
۴	استفاده از تسهیلات	۰/۴۳	۰/۵۷	۱/۵۷
۵	رضایت از عملکرد واحد کاری خود	۰/۸۵	۰/۱۵	۱/۱۵
۶	واحد کاری جواب‌گوی انتظارات بوده است	۰/۷۹	۰/۲۱	۰/۲۱
۷	استفاده از کارشناسان	۰/۱۳	۰/۸۷	۱/۸۷
۸	استفاده از دستگاه‌های اتوماتیک	۰/۲۱	۰/۳۷۹	۱/۷۹
۹	تولیدات جواب‌گوی نیازهای منطقه بوده است	۰/۳۲	۰/۶۸	۱/۶۸

منظور، اهمیت چهار منبع اصلی حمایت و تشویق از آن‌ها پرسیده شده است که آماره‌های توصیفی حاصل در جدول شماره (۲) ارائه شده است:

جدول ۲- آماره‌های توصیفی مربوط به شاخص «حمایت و تشویق» از نظر پاسخ‌دهندگان

مأخذ: یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۱

ردیف	متغیر	میانگین وزنی	رتبه	انحراف معیار	ضریب تغییرات
۱	خانواده	۵/۰۰	۱	۰/۱۴۱	۰/۰۲۸
۲	همکاران	۳/۲۱	۴	۰/۶۰۸	۰/۱۸۹
۳	همسایگان و خویشاوندان	۳/۵۲	۲	۰/۹۱۵	۰/۲۵۹
۴	اهالی روستا	۳/۳۹	۳	۰/۸۰۳	۰/۲۳۶

حاکمی از آن است که فرض برابری همه عوامل چهارگانه از دیدگاه پاسخ‌گویان رد می‌شود و همه متغیرهای موردآزمون

متوسط رشد کسب‌وکارهای کوچک ۱۱٪ بوده است (فین‌مارک، ۲۰۰۶، ص. ۴۰۵؛ والکر و وبستر، ۲۰۰۴، ص. ۲۴).

۴. یافته‌های تحقیق

ویژگی‌های جامعه نمونه در دو قسمت نتایج توصیفی و تحلیلی بررسی می‌شوند.

۴.۱. یافته‌های توصیفی

براساس یافته‌های توصیفی حاصل از انجام تحقیق، ۵۲٪ از پاسخ‌گویان مرد و بقیه زن بودند. وضعیت سنی پاسخ‌دهندگان این چنین بود: ۱۶٪ بین ۲۵ تا ۳۰ سال، ۲۰٪ بین ۳۰ تا ۳۵ سال، ۳۰٪ بین ۳۵ تا ۴۰ سال، ۲۴٪ بین ۴۰ تا ۴۵ سال و بقیه در گروه سنی بالاتر از ۴۵ سال قرار داشتند. از نظر سواد، ۲۹٪ از افراد مورد مطالعه بی‌سواد، ۴۱٪ دارای تحصیلات زیر دیپلم، ۱۸٪ دارای تحصیلات دیپلم و ۱۲٪ دارای تحصیلات لیسانس و بالاتر بودند.

۴.۲. یافته‌های تحلیلی

یکی از سؤالات این تحقیق به دنبال تعیین منابع حمایت و تشویق روستاییان در زمینه مشاغل خانگی بوده است. به این-

همچنین، در سطح اطمینان ۹۵٪ فرض برابری میزان اهمیت هر کدام از متغیرها در تشویق شاغلان بررسی شد. نتایج

(از نظر پاسخ‌گویان) با درجات متفاوتی در راستای تشویق شاغلان خانگی مؤثر هستند. کمترین تأثیر از دید پاسخ‌گویان مربوط به متغیر (۲)؛ یعنی همکاران با میانگین ۳/۲۱ می‌باشد؛ در مورد انگیزه و هدف از انتخاب شغل نیز مواردی ارزیابی شدند. جدول شماره (۲) نشان می‌دهد در این زمینه متغیر (۱)؛

جدول ۳- آماره‌های توصیفی مربوط به شاخص «انگیزه و هدف از انتخاب شغلشان» از نظر پاسخ‌گویان

مأخذ: یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۱

ردیف	نوع تغییر	میانگین وزنی	رتبه	انحراف معیار	ضریب تغییرات
۱	کسب درآمد	۴/۹۳	۱	۰/۲۵۶	۰/۰۵۱
۲	احساس مسؤلیت	۴/۷۱	۳	۰/۴۹۸	۰/۱۰۵
۳	کنجکاو	۳/۵۱	۶	۰/۸۸۲	۰/۲۵۱
۴	عوامل اجتماعی و فرهنگی	۴/۵۷	۴	۰/۴۹۸	۰/۱۰۴
۵	بودن در کنار خانواده و حمایت آن‌ها	۴/۸۳	۲	۰/۴۵۱	۰/۰۹۳
۶	کمبود فرصت‌های شغلی متناسب با تخصص	۳/۶۰	۵	۰/۸۶۵	۰/۲۴۰
۷	تطابق نداشتن ارزش‌ها و باورهای فرد با فضای محیط‌های کاری (انگیزه‌های اعتقادی)	۳/۳۵	۷	۰/۵۹۲	۰/۰۰۵

خانگی، از آزمون فریدمن استفاده شد. این آزمون بیان می‌کند که در بین مشکلات، آیا مشکلی از نظر پاسخ‌گویان مهم‌تر می‌باشد یا از نظر آن‌ها همه درجه اهمیت یکسانی دارند؛ بنابراین، مشکلات عادی بررسی شدند.

همچنین، در سطح اطمینان ۹۵٪ فرض برابری میزان اهمیت همه موارد مربوط به انگیزه و هدف از انتخاب شغل از دیدگاه پاسخ‌گویان رد می‌شود؛ بنابراین، انگیزه و هدف موردآزمون (پاسخ‌گویان) با درجات متفاوتی در راستای انتخاب شغلشان مؤثر است.

برای مقایسه میزان تأثیر هر یک از چالش‌ها و مشکلات به-عنوان مانعی برای توسعه مشاغل خانگی از دیدگاه شاغلان

جدول ۴- نتایج آزمون فریدمن (مشکلات مشاغل خانگی) از نظر پاسخ‌گویان

مأخذ: یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۱

تعداد	۱۰۰
آزمون <i>Chi-Square</i>	۸۳۹/۲۸۱
درجه آزادی	۱۱
سطح معناداری	۰/۰۰۰

جدول شماره (۵) نشان می‌دهد که مشکل (۱۲)؛ یعنی خرید ارزان محصولات با میانگین ۴/۸۸ دارای بیشترین تأثیر است و کمترین تأثیر از دید پاسخ‌گویان مربوط به مشکل (۴)؛ یعنی موانع قانونی با میانگین ۱/۵۶ است.

بنابراین، در سطح اطمینان ۹۵٪، فرض برابری میزان اهمیت همه مشکلات و چالش‌های دوازده‌گانه از دیدگاه شاغلان خانگی رد می‌شود و مشکلات و چالش‌های موردآزمون (پاسخ‌گویان) با درجات متفاوتی در جهت تضعیف توسعه مشاغل خانگی مؤثر هستند.

جدول ۵- میانگین وزنی، رتبه و انحراف معیار مهم‌ترین چالش‌های مشاغل خانگی از نظر پاسخ‌گویان

مأخذ: یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۱

ردیف	نوع مشکل	میانگین وزنی	رتبه	انحراف معیار	ضریب تغییرات
۱	محدودیت نگهداری فرزند	۳/۶۲	۹	۰/۷۰۸	۰/۱۹۵
۲	کمبود امکانات فیزیکی	۳/۳۰	۱۰	۱/۰۵۹	۰/۳۲
۳	مشکل مالی	۳/۷۵	۸	۰/۹۰۳	۰/۰۰۴
۴	موانع قانونی	۱/۵۶	۱۲	۰/۷۵۶	۰/۴۸۴
۵	کمبود اطلاعات	۳/۹۹	۶	۰/۷۳۲	۰/۱۸۳
۶	مشکلات اجتماعی	۲/۶۴	۱۱	۱/۴۳۹	۰/۵۴۵
۷	حمایت نکردن مسؤولان	۴/۸۱	۲	۰/۳۹۴	۰/۰۸۱
۸	نبود حمایت مالی	۴/۵۹	۳	۰/۵۵۲	۰/۱۲۰
۹	کساد بازار خرید محصولات	۴/۲۶	۴	۰/۸۴۸	۰/۱۹۹
۱۰	آموزش و مهارت	۳/۹۳	۷	۰/۹۷۷	۰/۲۵۳
۱۱	کمبود جایگاه یا فضا	۴/۰۶	۵	۰/۹۷۳	۰/۲۳۹
۱۲	خرید ارزان محصولات	۴/۸۸	۱	۰/۳۲۷	۰/۰۶۷

می‌شود، از مجموع ۱۲ مشکل فقط یک مورد (مشکل شماره ۴)

کوچک‌تر از $z\alpha = 1/65$ ؛ $\alpha = 0/5$ و بقیه موارد (۱۱ مشکل) بزرگ‌تر

می‌باشند؛ بنابراین، فرض $H_0: \mu x \geq \mu_0$ برای ۱۱ مورد از مشکلات

رد گردید و فقط برای ۱ مورد تأیید شده است و فرض $H_1: \mu x < \mu_0$

برای ۱۱ مشکل تأیید گردیده است (جدول ۴ و ۶).

همچنین، با توجه به مقدار میانگین موردانتظار (عدد ۳)، فقط دو

مورد از مشکلات (موانع قانونی، مشکلات اجتماعی) کمتر از مقدار

میانگین موردانتظار هستند و ده مورد دیگر بالاتر می‌باشند. برای تعیین

میزان تأثیر هریک از مشکلات دوازده گانه از آزمون t استودنت با

مقدار $\mu = 3$ (میانگین موردانتظار) استفاده شد. همان‌طور که ملاحظه

جدول ۶- نتایج آزمون t استودنت چالش‌های مشاغل خانگی از نظر پاسخ‌گویان

مأخذ: یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۱

ردیف	نوع مشکل	مقدار Zx	$(2\text{-tailed}) Sig$	رتبه
۱	محدودیت نگهداری از فرزند	۸/۷۶۳	۰/۰۰۰	۸
۲	کمبود امکانات فیزیکی	۰/۹۴۴	۰/۰۱۳	۱۰
۳	مشکل مالی	۸/۳۰۴	۰/۰۰۰	۹
۴	کمبود اطلاعات	۱۳/۵۳۲	۰/۰۰۰	۵
۵	حمایت نکردن مسؤولان	۴۵/۹۰۷	۰/۰۰۰	۲
۶	نبود حمایت مالی	۲۸/۷۹۳	۰/۰۰۰	۳
۷	کساد بازار خرید محصولات	۱۴/۸۵۳	۰/۰۰۰	۴
۸	آموزش و مهارت	۹/۵۱۸	۰/۰۰۰	۷
۹	کمبود جایگاه یا فضا	۱۰/۸۹۹	۰/۰۰۰	۶
۱۰	خرید ارزان محصولات	۵۷/۵۶۳	۰/۰۰۰	۱

برای بررسی چالش‌های پیش روی کسب‌وکارهای خانگی از

منظر پاسخ‌گویان، دو مورد اصلی موردتوجه قرار گرفت که

عبارت‌اند از: موانع قانونی و مشکلات اجتماعی.

جدول ۷- نتایج آزمون t استودنت چالش‌های مشاغل خانگی از نظر پاسخ‌گویان

مأخذ: یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۱

ردیف	نوع مشکل	مقدار Zx	$(2\text{-tailed}) Sig$	رتبه
۱	موانع قانونی	-۱۹/۰۳۸	۰/۰۰۰	۲
۲	مشکلات اجتماعی	-۲/۵۰۲	۰/۰۱۴	۱

با توجه به آزمون‌های انجام‌شده (فریدمن و t استودنت) برای پاسخ‌گویان، عوامل مؤثر بر آسیب‌های توسعه مشاغل خانگی در مناطق روستایی بخش دیشموک از اهمیت یکسانی برخوردار نیستند که این نشان‌دهنده اثبات فرضیه تحقیق است.

۵. بحث و نتیجه‌گیری

مشاغل خانگی با توجه به مزایایی که دارند، می‌تواند منافع زیادی مانند ایجاد اشتغال و افزایش درآمد ملی و غیره برای کشور داشته باشد. نتایج پژوهش حاکی از آن است که در سطح اطمینان ۹۵٪، فرض برابری میزان اهمیت همه مشکلات و چالش‌های دوازده‌گانه از دیدگاه شاغلان خانگی رد می‌شود و مشکلات و چالش‌های موردآزمون (از نظر پاسخ‌گویان) با درجات متفاوتی در جهت تضعیف توسعه مشاغل خانگی مؤثر هستند. مشکل خرید ارزان محصولات با میانگین ۴/۸۸ دارای بیشترین تأثیر است و حمایت‌نکردن مسؤولان و نبود حمایت مالی به-ترتیب با میانگین‌های ۴/۸۱ و ۴/۵۹ در رتبه‌های بعدی هستند و کمترین تأثیر از دیدگاه پاسخ‌گویان مربوط به موانع قانونی با میانگین ۱/۵۶ است. همچنین، خانواده با رتبه ۱ و میانگین ۵٪ بیشترین اهمیت را دارد و روستاییان با میانگین ۳/۳۹٪ کمترین تأثیر را دارا بودند. افزون‌براین، از افراد درمورد انگیزه و هدف از انتخاب شغلشان سؤال شد که کسب درآمد و همچنین بودن در کنار خانواده با میانگین‌های ۴/۹۳٪ و ۴/۸۳٪ بیشترین اهمیت را داشته‌اند و تطابق نداشتن ارزش‌ها و باورهای فرد با محیط‌های کاری (انگیزه‌های اعتقادی) با میانگین ۳/۳۵٪ کمترین اهمیت را دارا بودند. در این راستا اولین گام برای بهبود توسعه مشاغل خانگی، شناسایی آسیب‌ها و موانع مؤثر بر آن است؛ بر همین اساس، لازم است مدیران، سیاست‌گذاران و کارآفرینان با توجه کردن به این نوع مشاغل برای بهبود آن تلاش کنند.

با توجه به نتایجی که از تحقیق به‌دست آمد و نیز در اثبات فرضیه‌هایی که به آن‌ها پرداخته شد، می‌توان در زمینه کاهش آسیب‌ها و چالش‌های ناشی از مدیریت بحران در ناحیه روستایی بخش چاروسای شهرستان کهگیلویه، پیشنهادهای ذیل را مطرح کرد:

➤ توجه ویژه به آموزش‌های فنی و حرفه‌ای با هدف استانداردسازی و فراهم کردن بستر انگیزه‌بخش برای مشاغل خانگی در سطح منطقه روستایی ذکر شده ضروری است؛

➤ با توجه به نوع غالب خانواده در ناحیه روستایی ذکر شده که از گونه خانواده گسترده است و با توجه به انگیزه-های زیاد خانوادگی و به‌ویژه زنان در کسب‌وکارهای خانگی، تشویق و ترغیب برخی از صنایع و خدمات‌ها برای ایجاد طرح-های مشارکتی و واگذاری بخشی از فرایند و چرخه تولید به خانواده‌ها توصیه می‌شود؛

➤ دادن وام‌های خرد و با بهره کم به این نوع مشاغل (مشاغل خانگی) که به‌طور عمده سریع وارد چرخه تولید می‌شوند، می‌تواند مشکل اشتغال را در نواحی روستایی به-ویژه روستاهای مناطق محروم حل کند؛

➤ توجه به ویژگی‌های بازار کار و معادلات مربوط به عرضه و تقاضا در هر گونه ارائه منابع بانکی با هدف راه-اندازی کسب‌وکارهای کوچک (با تأکید بر کسب‌وکارهای خانگی) ضروری است؛

➤ استفاده از ظرفیت‌های موجود و کارگاه‌های فعلی در نواحی روستایی و افزایش ظرفیت آن‌ها با تکیه بر مشاغل خانگی به‌جای تأسیس کارگاه‌های جدید می‌تواند تا حد زیادی از هدررفت منابع جلوگیری کند؛

➤ پیش‌بینی و اجرای برنامه‌های ترویجی و آموزشی با هدف ارتقای دانش، بینش و مهارت اعضای خانواده‌های روستایی به‌ویژه بانوان برای آماده‌سازی بستر خانواده در مسیر پذیرش مسؤولیت مشاغل خانگی می‌تواند به گسترش مؤثر مشاغل خانگی کمک نماید. این مهم می-تواند از طریق ابزارهای رسانه‌ای و ارائه محصولات فرهنگی-آموزشی توسط سازمان‌های ذی‌ربط به‌ویژه شوراهای دهیاران روستایی انجام شود.

یادداشت‌ها

1. Sharp, Ciscle, & Heath
2. Mason, Hartkope, Holdenried, & Rafferty
3. Landefeld & McCulla
4. Holmes, Smith, & Cane
5. Pratt
6. Tipple
7. Horgan
8. Walker & Webster
9. National Association for the Self-Employed
10. Walker, Wang, & Remond
11. Finmark

کتابنامه

۱. ابراهیمی، ع. (۱۳۸۹). از بنگاه‌های زودبازده تا مشاغل خانگی، کار و جامعه. ماهنامه اجتماعی، اقتصادی، علمی، فرهنگی، (۱۱۹-۱۱۸)، ۱۰۶-۱۰۷.
۲. استانداری کهگیلویه و بویراحمد. (۱۳۹۱). آخرین وضعیت تقسیمات کشوری شهرستان کهگیلویه. یاسوج: استانداری کهگیلویه و بویراحمد.
۳. امید، ا. (۱۳۸۰). بررسی جایگاه زنان در اقتصاد غیررسمی (مطالعه موردی: کار خانگی زنان متأهل شهر اردل). (پایان‌نامه کارشناسی ارشد منتشر نشده)، دانشگاه شیراز، ایران.
۴. جزینی، ن. (۱۳۸۰). ارزش‌گذاری خانگی زن. تهران: مرکز امور مشارکت زنان و دانشگاه شهید بهشتی.
۵. خندان، ف. (۱۳۸۹). کارآفرینی و یادگیری الکترونیک: مدلی برای توسعه مشاغل خانگی. اولین کنفرانس بین‌المللی مدیریت، نوآوری و کارآفرینی، ۱۶۳-۱۵۷.
۶. خنیفر، ح.، احمدی‌آزرم، ه.، و زمانی‌فر، م. (۱۳۸۹). نقش انگیزه و عوامل جمعیت‌شناختی در کارآفرینی خانگی. اولین همایش ملی توسعه مشاغل خانگی، ۵۶-۶۱.
۷. دهقان، ف. (۱۳۸۰). نقش اشتغال در کاهش مهاجرت‌های روستایی (مطالعه موردی: دهستان مشایخ شهرستان ممسنی). (پایان‌نامه کارشناسی ارشد منتشر نشده)، دانشگاه تربیت مدرس، ایران.
۸. روزنامه بازار اجتماعی. (۱۳۸۹). سه‌شنبه ۱۹ بهمن ۱۳۸۹، سال یازدهم، شماره ۵۸۹.
۹. فهیمی، م. (۱۳۸۲). فناوری اطلاعات (IT) کارآفرینی. ماهنامه تدبیر، ۱۴ (۱۳۲)، ۴۷.
۱۰. کرباسی، ع.، اثنی‌عشری، ه.، و عاقل، ح. (۱۳۸۷). پیش‌بینی اشتغال بخش کشاورزی در ایران. مجله اقتصاد در توسعه کشاورزی - (علوم و صنایع کشاورزی)، ۲ (۲۲)، ۳۱-۳۳.
۱۱. کیاکجوری، ک. رودگردنژاد، ف. (۱۳۸۸). ارائه چارچوب مفهومی از فرایند یادگیری کارآفرینانه. فصلنامه مدیریت توسعه و تحول، (۳)، ۴۳-۵۲.
۱۲. معاونت برنامه‌ریزی و توسعه سرمایه انسانی. (۱۳۸۸). کسب و کار خانگی، کار و جامعه. ماهنامه اجتماعی، اقتصادی، علمی، فرهنگی، ۱۱۲، ۳۷-۳۹.
۱۳. میرجلیلی، ف. (۱۳۸۶). بررسی اقتصادی کار خانگی زنان و شیوه حمایت از آن. تهران: مرکز پژوهشی‌های شورای اسلامی.
۱۴. نجاحی، ا.، و قاسم‌پور، ا. (۱۳۸۹). مروری بر مدل‌های رایج کسب‌وکار خانگی و ارائه مدل مناسب برای ایران. اولین همایش ملی توسعه مشاغل خانگی؛ چالش‌ها و راهکارها، ۵۴-۵۵.
۱۵. ورمزریاری، ح.، و حسینی، م. (۱۳۸۸). بررسی میزان مشارکت عشایر بخش دیشموک در طرح‌های توسعه روستایی. جغرافیا و برنامه‌ریزی محیطی، ۲۰ (۳)، ۱۱۸-۱۰۱.
16. Carter, J. (2002). *Home-based business survey: Report on research to assess the business support and other needs of the home based economy*. Horsham District Council: Horsham.
17. Finmark. T. (2006). *Home based entrepreneurs*. Retrieved from: www.finmark.org
18. Graham, J., Green, W., & Carole, A. (1984). Estimating the parameters of a household production function with joint products. *The review of economics' and statistics*, 66(2), 277-282.
19. Holmes, S., Smith. S., & Cane, G. (1997). Gender issues in home based business operation and training: An Australian overview. *Women in Management Review*, 12(2), 68-73.
20. Horgan, M. (2001). Policy, regulations and approaches to home-based. *The Review of Economoics and Statistics*, 162(46), 117-120.
21. Landefeld, J. S., & McCulla, S. H. (2009). Accounting for nonmarket household production within a national accounts framework. *Review of Income and Wealth*, 46(3), 289-307.
22. NASE (National Association for the Self-Employed). (2006). *How many home-based businesses are there?* Retrieved from: <http://news.nase.org/news/homebased>. Apse-based business survey.

23. Pratt, J. H. (2000). Home-based business: The hidden economy, report for the United States small business administration. *Dallas*, 203(4), 42-45.
24. Sharp, D.C., Ciscel, D. H., & Heath, T. (1998). Back to Becker: Valuing Women's Economic Contribution from Housework with Household production Functions. *Journal of Forensic Economics*, 11(3), 215-235.
25. Tipple, G. (2005). The Place of Home-based Enterprises in the Informal Sector: Evidence from Cochabamba, New Delhi, Surabaya and Pretoria. *Urban Studies*, 42(4), 611-632.
26. Walker, E., & Webster, B. (2004). Gender issues in home-based businesses. *Women in Management Review*, 19, 404-412.
27. Walker, E., Wang, C., & Redmond, J. (2008). Women and work-life balance: Is home-based business ownership the solution? *Equal Opportunities International*, 27(3), 258-275.

The Pathology of Home Business Development in Rural Areas (Case Study: Dyshmuk District in Kohgiluyeh County)

Mahmood Reza Mirlofti^{*1}- Seyyed Amir Mohammad Alavizadeh²- Yousef Badakhsh³

1-Assistant prof, Geography and Rural Planning, Zabol University, Zabol, Iran

2-Assistant prof, Geography and Rural Planning, Payame Noor University, Kashmar, Iran

3-MA in Geography and Rural Planning, Zabol University, Zabol, Iran

Received: 9 Nov 2012 Accepted: 11 Mar 2013

Abstract

Purpose: Today working at home are considered as important solutions for making jobs and income in throughout the word. The ability of doing this works at home causes the practitioners profit a lot. The main purpose of this issue is pathology of developing home jobs in rural areas in Dishmuk district and also recognition of the most main motives in people's tendency towards those jobs and the presence of obstacles.

Methodology: The research way in this descriptive - analytic research is based on library studies and circle scrutiny in which data is collected by means of asking questions and letter and also is analyzed by software. Finding results from researching say that equal guess of importance of the all problems and twelve challenges from the answerers' view in %95 level is repudiated.

Findings: Tested problems and challenges with deferent grades are effective on weakening the development of the home jobs. The problem of bargaining the products with an average 4.88 possesses the maximum effects and be not supported by the officers a lack of financial support in sequence with averages 4.81 and 4.59 are in the next ranks and the minimum effect based on their view is related to the lawful obstacles with the average 1.56

Original/value: The topic of employment and people's achievement to have a good job are considered the most basic of needs of society, as one of the great development objects in the often countries specially our country is, decreasing unemployment and developing job activities especially in rural areas. Home businesses are considered as important strategies for creating jobs and income throughout the world. The possibility of doing this business at "home" has many benefits for the employees including striking a balance between women's responsibilities in the family and their employment, removing the costs of renting or buying a workshop and commuting, using other family members' work force and preparing the ground for family jobs and the possibility of transferring experience through informal education among the members of family.

Keywords: pathology of developing home jobs, rural development, Dishmuk district, Kohkiloye County.

How to cite this article:

Mirlofti, M. R., Alavizadeh, S. A. M., & Badakhsh, B. (2014). The pathology of home businesses development in rural areas (Case study: Dyshmuk district in Kohgiluyeh County). *Journal of Research & Rural Planning*, 3(5), 1-11.

URL <http://jrrp.um.ac.ir/index.php/RRP/article/view/17556>

ISSN: 2322-2514 eISSN: 2383-2495